



درنگی بر صحبت‌های هفته‌های اخیر سعید جلیلی در میان اقشار مختلف جامعه

تقاطع انتخابات‌ها

انتخابات

سیاست



اکنون این ماییم که به جای سرگرم شدن به انبوهی از کارهای بی اولویت، باید نقطه‌زن را درک کنیم و با انتخابات‌هایی جسورانه

شانه زیر بار مسئولیت دهمیم و برای پیمودن این مسیر ناهموار ولی پرافتخار مهیا شویم تا نه تنها عقب‌ماندگی‌های مزمن را جبران کنیم، بلکه مزه جشش را و مزه تحقّق وعده‌های الهی را بچشمیم

امتحان انتخاب امتداد هر انتخاب سیاسی انتخاب امتداد است. هر انتخاب سیاسی انتخاب بین دو امتداد است. هر انتخاب سیاسی انتخاب بین دو «راه» است که از آن پخته‌تر و باارزش‌تر و باامیدوارتر است. هر انتخابی امتدادی دارد که معلوم نیست به مقصد برسد اما انتخاب نکردن حتماً به مقصد نمی‌رسد. نه اسماک از انتخاب ما را به مقصد می‌رساند، نه هر انتخابی راه به مقصد دارد. برای همین باید امتداد انتخاب‌ها را هم درست شناخت، هم درست برگزید، هم درست پیمود.

انتخاب سیاسی انتخاب بین دو سیم بمب ساعتی نیست که برید و تمام شود؛ با می‌پریم یا می‌میریم! این همان نگاه غلطی است که با شکست‌ها نومی‌دی می‌دمد و با پیروزی‌های دل‌خوشانه ملت را بیرون از صحنه به گوشه‌ای می‌نهد. فرهنگ زرد سیاسی خوش دارد وظیفه سیاسی را چهار سال در پستو کند و یک دم آن را بیرون بکشد و همچنانی بدمد و دوباره انبار کند؛ می‌پسندند مردم فقط دم انتخابات باشند و هیچانی شوند انتخابی کنند و بروند.

انتخاب سیاسی به‌مثابه انتخاب جاده است که فرهنگ زرد سیاسی، خوش دارد آن را با افتتاح جاده جا‌بند؛ انگار روبان آن را می‌خواهیم جاده بردیم و تمام شد؛ نه! انتخاب جاده ابتدای راهی است که تازه باید پیمود و پا به جاده زد و دل به خطرات و ابهام و چالش‌ها و امتحان‌های بعدی «امتداد» این راه داد. در این امتداد و در برابر این جاده، حیرت در انتخاب، همان عدم‌انتخاب است. انتخاب نشستن به‌جای پیمودن، همان عدم‌انتخاب است.

نرفتن به مقصد نمی‌رسد اما هر رفتنی هم به مقصد نمی‌رسد. باید رفت اما برای آنکه پیش رفت باید «درست» را انتخاب کرد. انتخاب درست امتداد گزینه‌ها را درست می‌بیند؛ از غلط می‌پرهیزد، درست را می‌پذیرد، برای ابهام‌ها مهیا می‌شود. اینجاست که مسأله، فقط انتخاب و پیمودن نیست، مسأله اصلی انتخاب درست‌تر است: انتخاب خیر، یعنی اختیار. اختیار در امتحان انتخاب امتدادها حکمت اصلی حضور انسان در دار تراجم‌هاست که سعادت

و شقاوت ملت‌ها ناگزیر از دل آن می‌گذرد و نمی‌توان از مسئولیت آن شانه خالی کرد.

اختیار؛ هنر ملت ایران

اختیار یعنی پذیرفتن درست، یعنی پذیرش خیر، حیوانات نیز برحسب طبیعت و غریزه خود انتخاب دارند؛ «اختیار» از همین رو فقیهات فطری انسانی است چراکه انسان انتخابی راه به مقصد دارد. برای فهمد و می‌پذیرد، وگرنه انتخاب بشر یا انتخاب غریزه یا انتخاب برحسب طبیعت که اقتضای طبیعی است و هنری ندارد.

امتحان اختیار با انتخاب بریده نمی‌شود، بلکه امتداد آن به امتحان‌های بعدی کشیده می‌شود. با هر اختیار، مسیری جدید از امتحان‌های جدید گشوده می‌شود؛ با اختیار، امتحان پایان نمی‌پذیرد بلکه وادی امتحان‌های جدید باز می‌شود. این حکمت حضور انسان در این دنیای امتحان و دار بلاست؛ لیبیلوکم ایکم احسن. امتحانی است تا پابندی ما در امتداد عهد سنجیده شود؛ کدام‌یک، «ولقد عهدنا الی «امد من قبل نفسی ولم نجد له عیما» یا «الذین یوفون بعهدالله و لا ینقضون المیثاق» مثل «براهیم الذی وفی».

هنر ملت ایران فقط انتخاب نبود، بلکه انتخاب درست بود؛ پذیرش خیر بود. انقلاب اسلامی انتخاب بزرگ ملت ایران بود که فضیلت «اختیار» را که فضل فطری انسان است در درخشان‌ترین وجه خود به اعلا درجه انسانیت رساند و از امام خود نشان افتخار گرفت که به پیشگاه خدا گواهی داد این‌ملت برتر از مردم زمان پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) در تاریخ درخشید. انفجار نور همین اختیار یعنی انتخاب خیر بود. پذیرش خیر با انتخاب انقلاب اسلامی بزرگ‌ترین فضیلت مردم ایران بود. پدیده‌ای یکتا در تاریخ تحولات سیاسی بشر به نمایش گذاشت از ملتی که با انتخاب خود نیامد تا یک رای دهد و کنار بنشیند، بلکه تازه آماده‌تر شد تا با مال و جان و بذل فرزندان خود پای امتداد انتخاب خود بایستد. مردم ایران آگاهانه بهترین را فهمیدند و با یک امتداد و پیامدهایش با

را هدف گرفته‌اند و باید آماده بود تا چه بسا ششویه‌های زندگی و اداره را زیرورو کنند. برای نمونه، روندهای فناورانه ملت‌ها را فراتر از مرزها به هم پیوند داده است و کسانی را در صدر «حکم» نشانده که فراتر از ساختارهای سرزمینی برای خود «طاعت» می‌خرند و مردمان به هم پیوسته با کمک فناوری‌های ارتباطی فراتر از مرزها قدرت‌های نرم و سخت نوینی برای اثرگذاری سیاسی خواهند ساخت.

تلاقی روندهای سیاسی و فناورانه زیربنای روندهای اقتصادی را هم زیرورو می‌کند؛ برای نمونه، هوش مصنوعی توأم با اشتغال فرامرزی می‌تواند آثاری انقلابی بر مفهوم نیروی کار و اشتغال داشته باشد و نه تنها طیفی از مشاغل را کنار بزند، بلکه فراتر از تسلط دولت‌ها و فراتر از مرزها اجازه دهد نیروهای جدید سیاسی فراملی بر نیروی خلاق سوار شوند، خلق ثروت‌ها را به سمت خود بکشند و دست بگیرند. این را توأم با فناوری‌های نامتمرکز در شبکه‌های مخابراتی ببینید که پیامدهای تحولات سیاسی انقلابی را به همه حوزه‌های فناوری اطلاعات می‌تواند تسری دهد و این‌گونه تأثیری بنیان‌برافکن بر مناسبات قدرت‌های پیشین سیاسی و اقتصادی بگذارد و با پویایی‌هایی که حاکم می‌کند قطب‌های جدید قدرت بیافریند که دیگر با تلتی‌های رایج پیشین نتوان آن را تحلیل کرد. نمونه‌های از آن، تسری همین تحول توأم با روندهای سیاسی پیمان‌های جدید ارزی است که نظام «متمرکز» تأمین مالی و تبادل ارزی را تهدید می‌کند.

روندهای سیاسی چور دیگر مفاهیم رایج پشتیبان نظم پیشین جهانی را به هم ریخته است و نشانه‌های سرکشی در برابر نظم سلطه‌گر از شرق آسیا تا اروپا و آفریقا و امریکا جنوبی از هر زمان دیگر آشکارتر است. نه تنها قدرت‌های نو ظهور اقتصادی آقایی کدخدا را خنده‌دار کرده‌اند، بلکه با حمله با زمین‌انحصاری فناوری‌های پیشرفته خبر از بازاریابی موازنه‌خوا و شکل‌گیری شکل‌های جدید قدرت می‌دهند. در کشاکش روندهای اقتصادی و فناورانه معطوف به سیاست، طوفان الاقصی در امتداد یک روند بلند سیاسی، هیبت و حیثیت نظم استکباری را فروریخت. طوفانی در امتداد روندی که با انقلاب اسلامی ایران سرگرفت با «نه» بزرگ خود به شرق و غرب، قرن ریزش کنکره مستکبران را کلید زد؛ روندی که مقاومت درخشان اسلامی در دو دهه اخیر در دفاع از حقوق فناوری‌های پیشرفته تا حق استقلال سرزمینی، موازنه قوای سخت را گام به گام وارونه کرد و قدرت نرم خود را به پشتوانه سخت تحولات جهانی مبدل ساخت.

روندهای سیاسی متأثر از روندهای فناورانه دوباره خود پر روندهای فناورانه جهت خواهند داد تا این بار با هدف‌گذاری جدید نو پی نتسخر فضا برای اهداف جدید، مخابرات ماهواره‌ای بروند یا با غوص در جهان خردمقیاس پی جشش در پردازش اطلاعات باشد. روندهای فناورانه بنیادی با جشش در ظرفیت مخابرات و توان محاسبه اطلاعات هیچ بعید نیست بزدی چهره مفاهیم پیشین را تغییر دهند. تحول در ظرفیت و امنیت تبادل اطلاعات توأم با پردازش بزرگ و رایانش پرسرعت، ناشی از تحول احتمالی در رایانش و مخابرات کوانتومی، نه تنها بر مفاهیم سنتی از جنگ اثرگذاری بنیان‌برافکن بر امکان و قدرت انتقال و پردازش و جابه‌جایی پیام نه تنها شبهه‌های رایج اداره امور مردم در سال‌های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند. عملی بزرگوار اسلام از هم‌اکنون باید برای این موضوع فکری کنند. «(امام خمینی(ره)؛ ۳ اسفند ۱۳۶۷)

این پیش‌بینی شگفت تاریخی و این آماده‌پیش از امام سی‌ونج سال پیش هشدار داد که بزودی تحولات اساسی در امر سیاست و

اداره امور مردم رخ خواهد داد و از هم‌اکنون باید به آن اندیشید! ما حتی اگر همین امروز دست بچنانیم باز سه دهه تأخیر داریم! امروز در آستانه این تحول قرار داریم. تلاقی چند روند این بزنگاه را تعیین کننده کرده است.

روندهای فناورانه، زندگی‌ها و حکومت‌ها را تغییر خواهند داد چرا که مفاهیم نرمی را که پشتیبان نظم جهانی و سبک زندگی کنونی هستند تغییر می‌دهند. اگر تا دیروز روندهای فناورانه چهره سازکارها را ساده‌تر یا سریع‌تر می‌کردند، امروز جشش‌ها و جهت‌های توسعه فناوری‌ها نه فقط چهره امور را، که مفاهیم بنیادی زیربنای امور

حکم خود را تثبیت کنند و دیگران را به پذیرش فاصله‌وآدارند تا مناسبات جدیدی از پیوندهای سیاسی، امنیتی، اقتصادی و سرزمینی را شکل دهند.

از تهدیدها نباید هراسید، در تحلیل آنها نیز نباید ماند و درماند. بلکه برعکس، ما اتفاقاً در موقعیت ترس از تهدید نیستیم، ما اتفاقاً در موقعیت فرصت بی‌سابقه‌ایم. ما در آستانه جهشیم و باید جسورانه چند گام جلوتر را دید و دانست اتفاقاً این‌ما هستیم که می‌توانیم نگاه با جهشی نمایان در فناوری‌های جهش‌آفرین و در تدبیر فرصت‌ها، عقب‌ماندگی‌های تاریخی را جبران کنیم. جهش و جبران عقب‌ماندگی با حل‌الحوا کردن نمی‌شود، با رویاپردازی و سستی نمی‌شود. لازمه آن درک اولویت‌ها و تن‌دادن به الزامات آن است. عیب بزرگ گام اول انقلاب به تعبیر رهبر انقلاب ظرفیت‌های استفاده‌نشده طبیعی و انسانی بود. کسی که آن اولویت‌ها و این عیب بزرگ را درک کند، می‌فهمد امروز وقت از دست دادن فرصت‌ها نیست.

آن سیاست غربی به درستی دریافته بود که این تحولات فناورانه، کانت و دکارت خودش را می‌خواهد تا از درک و جهت‌دهی آن بر مفاهیم بنیادی از شناخت تا زیست تا حکومت‌جا نماند. بله، فهم این زمانه، دیالمنها و مطهری‌ها و مصباح‌های خود را می‌خواهد؛ امروز وقت عدول از اصول نیست تا همین طور به استبعاد و تبعید فکر ملاصدرها و خمینی‌های آن خیره ماند. در حالی که مباحث جدید از چپ و راست

منبهای پیشین پشتیبان مفاهیم رایج جهان را هدف گرفته‌اند، حالا وقت ماست که تلتی خود را از اختیار و عدالت و سعادت با بهره‌گیری از هنر و مهندسی و تدبیر به روندهای فرهنگی، فناورانه و اجتماعی بدمیم و نبض زمان را خود ما به دست بگیریم. اکنون این ماییم که با پیش‌قدمی در فناوری‌های جهش‌آفرین باید جایگاه خود را در اثرگذاری جهانی تثبیت کنیم. اکنون ما با شتاب در فناوری‌هایی زیربنایی که زیرساخت‌های جابه‌جایی‌گالا، پیام، انرژی و خدمات را زیرورو می‌کنند، با درک اولویت‌ها و تصمیم نقطه‌زن، باید از روند تحولات پیش بپیمیم. نکته آنجاست که امروز که موانع سخت جنگ و ترور و تحریم را بی‌اثر کرده و دشمن را به اعتراف شکست فاحش وادار کردیم، از هر نظر، چه سرمایه‌انسانی چه شرایط جهانی چه ظرفیت‌های سخت، شرایط برای ما مهیاتر است. اکنون زمان است. اکنون این ماییم که به جای سرگرم‌شدن به انبوهی از کارهای بی‌اولویت، باید اولویت‌های نقطه‌زن را درک کنیم و با انتخاب‌هایی جسورانه شانه زیر بار مسئولیت دهیم و برای پیمودن این مسیر ناهموار ولی پرافتخار مهیا شویم تا نه تنها عقب‌ماندگی‌های مزمن را جبران کنیم، بلکه مزه جشش را و مزه تحقّق وعده‌های الهی را بچشمیم.

اکنون زمان ائتلاف فرصت‌ها نیست؛ گاز رفتی که از عرق جبین و کد بمین کارگران به دست می‌آید مفت در حجمی هم‌تراز صادرات از زیر سنجش می‌گریزد و پرت می‌شود. روستاها و ششایر در پیوند با شبکه ترابری و فرآوری آماده جشش در تولیدند. امروز روز وحدت بر سر ارزش‌های مشترکی است که ملت ما و همه ملل را حول تعالی و پیشرفت هم‌افزا می‌کند. سرمایه‌عظیم انسانی آماده جهش‌آفرینی در فناوری‌های نقطه‌زن است. شرایط جهانی از هر زمانی برای شکل‌دادن ارتباطات نه هم‌زمانی سازش با استکبار که بر مبنای هر افراوی در مقاومت برای پیشرفت است. اقتصاد دریا که خود به تنهایی برای اداره یک مملکت کافی است تنها یکی از فرصت‌های معطل مملکت است که کنار معادن و نفت و گاز و صادرات خدمات پیشرفته و گردشگری و ترابری و جنگل‌ها معطل روزمیزی‌هاست، تلسل و تردید در جشش، بزرگ‌ترین خیانت به این فرصت عظیم تاریخی است. آنچه سعید جلیلی در این روزها از جماران و مدرسه البرز و الی‌اشگاه نفت‌وگاز و جمع عشایر تا نشست فناوری و اجتماع اهل سنت و جهاد دانشگاهی و یادبود دیالمنه و صنایع کشتی‌سازی پی آن است و در جلسات حکمت سیاسی اسلام در قرآن دنبال می‌کند، توجه دادن به اولویت‌هایی است که این دوران بزنگاهی می‌طلبد تا دوباره نیروهای سیاسی را با پیمودن مستمر امتدادی فراخواند که با انتخاب بزرگ ملت ایران در انقلاب اسلامی سرگرفت و امروز به یک بزنگاه تاریخی و امتحان سرنوشت‌ساز خود رسیده است که لازم دارد با آگاهی به امتدادها، با اختیار به این راه زد و شانه زیر بار مسئولیت داد و آن را به سرانجام رساند.

جمع بندی، بشارت و هشدار

اهمیت امتداد در وظیفه دینی فقط به اختیار و پذیرش خیر نیست؛ پیروی و در پی امتداد رفتن نیز به همان اندازه مهم است. اختیار که یعنی همان «انتخاب درست»، مصداق کلمه طیبیه است: «الیه یصدق الکلم الطیب» اما باید با عمل صالح آن را به بالاترین درجات امتداد داد: «والعمل الصالح یرفعه». در آن صورت، حیات طیبیه یک رؤیا نخواهد بود، بلکه وعده الهی است در همین دنیا و به آزمان شهر زندگی گوارا می‌توان رسید و مزه آن را چشید. اما حیات طیبیه تعارف نیست و این سنت الهی لازمه‌ای دارد؛ نه فقط ایمان، بلکه عمل صالح توأم با ایمان لازم است تا زندگی به جامعه میده شود. «من صالحا من ذکر او انثی و هو مؤمن فلیتحیینه حیاة طیبة»، فقط ایمان کافی نیست، عمل صالح می‌خواهد؛ انتخاب درست، امتداد نیز می‌خواهد.



برش



هنر ملت ایران فقط انتخاب نبود، بلکه انتخاب درست بود؛ پذیرش خیر بود. انقلاب اسلامی انتخاب بزرگ ملت ایران بود که فضیلت بزرگ‌ترین درخشان‌ترین وجه خود به اعلا درجه انسانیت رساند و از امام خود نشان افتخار گرفت که به پیشگاه خدا گواهی داد این ملت برتر پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) در تاریخ درخشید. انفجار نور همین اختیار یعنی انتخاب خیر بود. پذیرش خیر با انتخاب انقلاب اسلامی بزرگ‌ترین فضیلت مردم ایران بود